

تریبون
محله

مجلات

فرهنگ و جامعه

هم محله ای

حسین برداران فر

عشق به زندگی با کار کردن

همراه با رمضان ماهانی، قدیمی محله رضاییه



رمضان ماهانی، همچنان که تیغه تیز را در لاستیک سیاه و قطور وارد می کند و جلو می برد، صدای جیر جیر پاره شدن لاستیک، موسیقی آشنایی برای پیر مراد است که او را به خاطرات دور می برد. ماهانی شاید یکی از چند نفر سطل ساز لاستیکی قدیمی در مشهد است، که هنوز مشغول به کار می باشد.

مغنازه قدیمی اش که دیوارهای گچی آن در بعضی از جاها ریخته و کاهگل و آجرهای خام آن نمایان است، گواه بر این ادعای می باشد. از روز گارش که می پرسیم، می گوید: ۵۰ ساله بودم که پدر و مادر مرا از دست دادم و به خانه دایی ام رفتم و از سن ۱۰ سالگی به شاگردی سطل سازی در پایین خیابان رفتم. با همه کوچکی اندام و سن و سال کم، مجبور شدم که لاستیک های قطور (جیر) را با تیغه های تیز ببرم و به قطعات دل خواه در آورم، در حالی که کار کردن در این شغل حتی برای مرها نیز سخت و طاقت فرسای بود.

او در ادامه می گوید: من بعد از استاد تنها شاگرد او بودم که شغل اش را ادامه دادم. در ده سن جوانی اولین جواز کسب را در این شغل گرفتم و شاید امروز حتی کسی وجود نداشته باشد که جواز کسبی در این شغل داشته باشد.

وقتی در مورد وسایل مورد استفاده در این شغل می پرسیم، می گوید: وسایل کار ما از ۵۰ سال قبل تغییری نکرده است و عبارت است از یک؛ سندان، دو عدد تیغه تیز و انبر دست و چکش و مقداری میخ آهنی و یک اراده قوی.

مواد خام نیز لاستیک های مستعمل اتوبوس و ماشین های کامیون می باشد. لاستیک دیگر ماشین های کوچک برای این کار استفاده نمی شود.

می پرسیم، این مواد خام را از کجا تهیه می کنید؟ در جواب می گوید: معمولا از گاراژهای اتوبوس و کامیون البته گاهی وقت ها خود سفارش دهندگان مواد خام را می آورند و ادامه می دهد. قیمت هر لاستیک کهنه که خریداری می شود، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ تومان است.

می پرسیم چه قسمتی از لاستیک مورد استفاده قرار می گیرد و ماهانی در جواب می گوید: قسمت داخلی لاستیک که مخلوطی از لاستیک و ونخ می باشد و در اصطلاح ما به آن (منجیل) می گوئیم، سخت ترین قسمت کار جدکار در قسمت خارجی و عاج دار لاستیک از قسمت داخلی آن است، که هم مهارت زیادی می خواهد و هم قدرت زیاد. بعد از جد کردن قسمت خارجی آنچه باقی می ماند، نرم و قابل انعطاف می باشد و می توان آن را تبدیل به شیء دلخواه کرد. برای آنکه بهتر متوجه شوم، یکی از منجیل های تهیه شده را برمی دارد و شروع به ساختن می کند.

من لاستیک (منجیل) را لمس می کنم. به آن نرمی نیست، حتی سفت هم است. قدرت زیادی می خواهد تا آن را به صورتی دلخواه در آورد، نگاهم متوجه دستان استاد کار پیر می شود، که با ظرافت یک خیاط طوری لاستیکی زخم زده سیاه و با میخ به هم می دوزد که فکر می کنی پارچه ای تر و نرم و بی منعی است.

می پرسیم که چه چیزهایی با این مواد می سازند، می گوید: سطل و تقار (تشت) و خورجین و مشک آب و... که در قدیم، از این وسایل در شهرها نیز استفاده می شد ولی با ورود وسایل استیل و لاکمی و روری به بازار، دیگر در شهرها استفاده نمی شود. در ادامه می گوید: بیشترین مصرف در شهرها مربوط به سطل های چاه کنی و استفاده در کارهای ساختمانی بوده که آن هم با آمدن بالابرهای برقی دیگر کسی از این سطل ها استفاده نمی کند و تنها سطل های برای این چاه کنی در شهر مورد استفاده قرار می گیرد.

فعالان بیشتر خریداران در بین روستاییان و عشایری می باشد. سطل هایی برای میوه چینی و کارهای ساختمانی و سطل هایی برای ریختن علفه برای دام ها ولی بیشترین مصرف در بین عشایری می باشد که جز استفاده برای آب شرب، برای آبیاری تمام رودها و دیگر از این سطل ها استفاده می شود.

می پرسیم این سطل ها چه امتیازی نسبت به سطل های دیگر دار و آورده می گوید: این سطل ها شگفته و کهنه نمی شود و عمر طولانی دارند و اگر آسیب بینند با چند عدد میخ قابل تعمیر می باشند.

آیا شاگردی هم دارید؟ می گوید: شغل ما، شاید چند سال دیگر تبدیل به خاطره شود، مانند بسیاری از شغل های قدیمی دیگر که از بین رفت، اما پسر کوچک من، تنها شاگرد من است که شغل من را یاد گرفته است و دوست دار دان را ادامه دهد. شاید او نیز نسل از سطل سازان لاستیکی باشد.

با این همه سختی از درآمدتان رضایی هستید؟ می گوید: اگر چه فروش ما بسیار اندک است ولی تا امروز زندگی ما را تامین کرده است. من از راه همین سطل سازی، تمام فرزندانم را عروس و داماد کرده ام و به مکه رفته ام و سطل های باقی مانده از عمرم نیز همین طور خواهد گذشت.

در پایان این استاد پیر از دغدغه های خود می گوید: من بعد از بیش از نیم قرن کار هیچ نوع بیمه ای ندارم و برای تامین زندگی در دوران کهنوت احساس نداشتن پشتیبان برای من باعث نگرانی است.

چه چیز را مایه پیشرفت زندگی خود می دانید؟ من با توکل و تلاش شانه روزی از شاگردی در نزد استاد به اینجا رسیده ام. بیش از ۵۰ سال است که این شغل را ادامه داده ام و هر روز صبح در مغازه را با نام یاد باز و شروع به کار می کنم و کار کردن است که مرا سر حال نگه داشته است. به طوری که در ۷۰ سالگی هیچ مرضی ندارم و از خیلی از جوان های امروز قوی تر و سالم تر هستم.

عمران و امنیت؛ مطالبات همیشگی اهالی گلشهر

همراه با شهردار منطقه ۵ و واگویه های اهالی کوچه در مانگاه، در شهید آوینی



عکس: مجید لشکری/شهرآرا

باشد که شامل: مهر آباد، خیابان الزهراء، بولوار میامی، مهدی آباد، حجت آباد، عباس آباد، شهید آر مون و شهرک ثامن است و یک و نیم میلیارد آن اختصاص به منطقه گلشهر دارد که کمترین عوارض مربوط به این منطقه است. تمامی این دریافتی ها برای آباد سازی محله خودتان هزینه می شود و پرداخت این عوارض نهایی شهرنشینی است.

پلیس ساختمان محله تان باشید یکی از اهالی راجع به عقب نشینی میلان در مانگاه می پرسد و اینکه چرا بعضی مالکان با توجه به این مسئله همچنان بدون

هزینه جمع آوری زباله بر اساس مترآژ است.

این شهروند در ادامه می گوید: پارسال از ما ۹۰۰ هزار تومان پایان کار تجاری گرفته اند، در حالی که از بعضی ها ۲۰۰ تومان گرفته اند، و به ما گفته اند؛ مبلغ چند سال را باید یکجا بدهید، در حالی که مغازه بسته بوده است و... که باز هم حسینی جواب این شهروند را می دهد؛ هر چند به نظر می رسد او قانع نشده است! اگر چه جلسه پرپاری است و مسائل مطرح شده در آن مطالبی هستند که ممکن است؛ در مناطق دیگر نیز مشکل ساز باشند



قول و قرارها:

- ادامه ساخت و بهره برداری از کتابخانه ۵۰۰ متری در آوینی ۴۳ تا پایان سال
- شروع پروژه ورزشگاه سرپوشیده و فضای سبز ۴ هزار متری در منطقه گلشهر و افتتاح آن در سال ۹۰
- جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز در منطقه
- تعیین تکلیف زمین های وقفی
- بررسی اجاره بهای دریافتی اوقاف
- احداث پارک خطی در اطراف صد متری

مهندس حسینی: هر کسی که در شهر زندگی می کند یک سری هزینه های شهروندی را باید بپردازد، اعم از هزینه هایی در خصوص جمع آوری زباله، هزینه آسفالت، جدول گذاری و... که تمامی این ها تحت عنوان عوارض از شهروندان دریافت می شود

اما احساس می کنم از آنجایی که این تریبون محل، محله ای بر گزای می شود، بیشتر به رفع مشکلات شخصی می پردازد. به همین دلیل «توسلی» مسئول روابط عمومی منطقه ۵، کاغذ به دست موارد مطرح شده از سوی حاضران در مسجد را یک به یک یادداشت می کند تا به آن ها رسیدگی شود.

هزینه های شهروندی باید پرداخت شود شهردار منطقه ۵ وقتی می بیند؛ طرح سوالات جنبه خصوصی پیدا کرده، ترجیح می دهد؛ برای جلوگیری از بیشتر مطرح شدن این قبیل سوالات و روشن شدن آنها در عموم در این خصوص توضیحات کلی بدهد:

هر کسی که در شهر زندگی می کند یک سری هزینه های شهروندی را باید بپردازد. اعم از هزینه هایی در خصوص جمع آوری زباله، هزینه آسفالت، جدول گذاری و... که تمامی این ها تحت عنوان عوارض از شهروندان دریافت می شود. این هزینه ها برای برادری که دوپست و هشت متر زیر بنا دارد، ۲۰ هزار تومان در نظر گرفته شده، اگر مقایسه کنید؛ حق شارژ آپارتمان ها در ماه در مناطق دیگر همین مقدار است. در حالی که این مبلغ، مبلغ عوارض یک ساله این برادر است.

پرداخت این عوارض بهای شهرنشینی است شهردار می گوید: ما اگر بتوانیم از محل عوارض پایان کار ۱۰ میلیارد تومان درآمد داشته باشیم؛ ۶ و نیم میلیارد آن مربوط به ناحیه یک است که مربوط به نواحی رضاییه، بولوار وحدت، قسمت انتهای شهید علیمردانی، بولوار امت، بولوار میرزا کوچک خان، حسین آباد کرمانی ها، سجادیه، بولوار شهدای تاکسیرانی و خیابان سرخس است. وی ادامه می دهد: ۲ میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان آن مربوط به ناحیه ۲ می

است. مهندس حسینی در جواب به این شهروند می گوید: آقای علی محمد تقی زاده از متولی موقوفه و کالت دار اد جوار شهر دار باعث می شود تا این شهروند صدایش را بلندتر کند و استنادات دیگری برای مورد صحبتش ذکر کند. این مسئله باعث می شود که شهردار از مسئول روابط عمومی بخواد تا این مسئله را یادداشت کرده تا در زمان مقتضی به آن رسیدگی شود.

اجاره بهای اوقاف بر چه اساسی است!

مورد بعدی در مورد اجاره اوقاف است. مهندس حسینی در خصوص صحبت یکی از شهروندان می گوید: یکی از شهروندان این شکایت را دارد که اجاره بهای که اوقاف از ما می گیرد، مبنی بر قانون نیست، وی باید مسئله را دقیق برای ما بگوید که ما آن را بررسی کرده و بدانیم که اگر ضابطه خاصی هست، آن را پیگیری کنیم.

در این لحظه یکی دیگر از شهروندان می گوید: برای این کار هیچ ضابطه ای نیست، به نام اوقاف دفتر و کالنی زده اند که مشخص نیست به یا قانونی است یا خیر؟! ما نمی خواهیم بدانیم بر چه اساسی برای مردم اجاره تعیین می کنند! این قضیه باید اصولی پیگیری شود.

شهردار منطقه در جواب این شهروند نیز حرف قبلی را تکرار می کند و می افزاید: اگر ضوابط خاصی هست که این ها از ضوابط عدول کرده اند باید بررسی شود! ما هم اراضی در اختیار داریم که باید اجاره اش را بپردازیم. بنابر این سعی می کنیم، این قضیه را دنبال کنیم.

اگر چه در این گردهمایی شهردار منطقه ۵ به خوبی به درددل های مردم گوش می دهد و قول بررسی آن ها را می دهد اما جای مسئولان دیگری که می توانند پاسخگوی مشکلات مردم باشند، خالی است!

مرجع تغییر کاربری اراضی، کمیسیون ماده ۵ است یکی دیگر از شهروندان از تغییر کاربری زمین اش می گوید و از شهردار منطقه در خواست می کند تا وی دستورات لازم را برای تغییر کاربری آن از بهداشتی، درمانی به کاربری دل خواش بدهد.

شهردار منطقه ۵ می گوید: مرجع تغییر کاربری اراضی، شهرداری نیست بلکه کمیسیون ماده ۵ است. ما نمی توانیم دستور تغییر کاربری بدهیم. در حال حاضر خیلی ها تمایل دارند که مراکز درمانی بسازند و نیاز به ملکی دارند که کاربری آن بهداشتی درمانی باشد!

باشنیدن این صحبت یاد مراکز درمانی همچون بیمارستان علی بن ابی طالب، بیمارستان قلمی و مرکز درمانی اقامطقی خمینی (ره) می افتم که با وجود داشتن امکانات خوب تبدیل به مکانی متروک شده اند و هنوز از سوسو مسئولان با وجود چاپ گزارش هایی در روزنامه شهرآرا تصمیمی برای آن ها گرفته نشده است و در اینجا صحبت از نیاز به ساخت مراکز درمانی است!

عوارض جمع آوری زباله، بر اساس مترآژ است

در این حال یکی از اهالی محله، قبض عوارض نوسازی اش را می آورد و می گوید: سال گذشته عوارض نوسازی ما، ۱۰۵ هزار تومان شده بود که آن را تمام و کمال پرداختام، امسال برایم ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان قبض آمده من فکر می کردم امسال دیگر نباید پولی پرداخت کنم و... شهردار منطقه ۵ نگاهی به قبض می اندازد و می گوید: عوارض هر سال مخصوص همان سال است. تازه از سال جاری ای یتیم بابت جمع آوری زباله به این عوارض اضافه شده، شما فکر می کنید، حتی اگر بخوایم این هزینه را بابت جمع آوری یک سال زباله شما حساب کنیم، این مبلغ زیاد است! این شهروند در جواب می گوید: برای همسایه ما نصف این مبلغ

